



# تحلیل شباهت های موجود میان نقاشی های بیماران روانی و نقاشان بزرگ جهان

دکتر مهدی پوررضائیان \* محسن غلامی \*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۹/۳/۴

## چکیده

ارتباط بین هنر و بیماری روانی از کنجکاوانه ترین مباحثی است که از دوران باستان و با نظریه افلاطون که معتقد به وجود پیوند بین این دو عرصه بود، آغاز و با تردید و احتیاط های فیلسوفانه گسترده شد. این باور اما با ظهور نظریه روانکاوی در سده نوزدهم و با نقدهای روانکاوانه هنر توسط واضع مکتب روان تحلیل گری عریان تر مطرح شد و با نظریه های متعدد در این باره ادامه یافت. پژوهش پیش رو در پی فهم بیش تر اسرار آفرینشگری هنری به مقایسه نقاشی های بیماران روانی با آثار نقاشان بزرگ پرداخته است. آثار نقاشی از دو گروه چهارده نفری (نقاشان جهان و بیماران روانی) گزینش و با یکدیگر مقایسه شد. منظور از نقاشان جهان، برخی از نقاشان بزرگ و معاصر اروپا و آمریکا و منظور از بیماران روانی، بیماران بستری در برخی بیمارستان های تخصصی روانپزشکی در ایران است. روش انجام تحقیق توصیفی (تحلیل محتوا) و روش نمونه گیری به صورت غیرتصادفی بود که ضمن آن، بیست اثر از هر گروه انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفت. شباهت های معنی دار موجود بین آثار گروه های تحت بررسی اجازه می دهد فرضیه اصلی تحقیق دال بر وجود ارتباط بین هنر نقاشی و بیماری روانی پذیرفته شود.

## واژگان کلیدی

بیماران روانی، نقاشی، نقاشان بزرگ جهان.

\* عضو هیأت علمی و استادیار دانشکده هنر دانشگاه شاهد شهر تهران، استان تهران Email: Pourrezaian@shahed.ac.ir

Email: mgholami353@yahoo.com

\*\* کارشناس هنرهای تجسمی حوزه هنری استان مرکزی

### مقدمه

کنند. (موودی، ۱۹۷۱، ۱۹)

در میان همه مباحثی که بر پیوند بین خلاقیت هنری و بیماری روانی تاکید دارند مبحث وقفه هنری که اولین بار دکتر هاروی گرینبرگ آن را روانشناسانه شرح داد از همه جالب‌تر است. گرینبرگ (۱۹۷۴، ۷۷) عقیده دارد که هنرمندان غالباً در دوره‌ای از زندگی خود، قدرت آفرینندگی و تولید اثر هنری را بدون هیچ دلیلی از دست می‌دهند. گویی الهه هنر آن‌ها را ترک می‌کند. هنرمندان در این حالت وقفه، درجاتی از رنجیدگی روحی، افسردگی، اضطراب و در صورت تداوم، رفتارهای جنون آمیزی را از خود نشان می‌دهند.

بحث بیماری‌های روانی به ویژه روان پریشی در طول تاریخ همواره مورد توجه بسیار بوده است. برخی آن را هم چون یک آفت بزرگ، نکوهش و برخی به دلیل الهام بخشی به هنرمندان، ستایش کرده‌اند. (سلیمان‌ی ۱۳۷۹، ۱۲) می‌نویسد که افلاطون (۴۲۷-۳۴۸ ق.م) معتقد بود شاعر در وهله اول باید دیوانگی را که هدیه خدایان هنر است دریافت کند، سپس بی خود و بی خویشتن شود و آن‌گاه به سرودن بپردازد. در شرق و به ویژه عربستان پیش از اسلام نیز باور رایج مردم آن بود که شاعران تحت تأثیر و تسخیر جنیان هستند و اغلب عوام سرایندهگان شعر را مجنون می‌خواندند.

در اندیشه غربی، این دیدگاه پس از قرون وسطی و با این فرض شروع شد که بین هنر آفرینی و روان پریشی (جنون) مرزهای مشخص و دقیقی وجود ندارد. اراسموس

افسانه ادیپوس شاه به اعتقاد برخی، مانند فروید (۱۹۹۴، ۲۵) پایه هنرست و پیدایش تمام اشعار حماسی و اسطوره‌ها در اثر احساس اضطراب گناه می‌باشد. وی هر اثر هنری را به دو گونه نقد می‌کند: یکی نقد روان‌شناسانه اشخاص و حوادث داستان و دیگر نقد روان‌شناسانه هنرمند. مثلاً در نقد نمایشنامه «هملت» از یک سو وضعیت ادیپی شخصیت اصلی نمایشنامه (هملت) را شرح می‌دهد و از سوی دیگر حالات خود هنرمند یعنی ویلیام شکسپیر (۱۵۶۴-۱۶۱۶) را که در هنگام نوشتن این نمایشنامه با اندوه ناشی از مرگ پسرش (به نام هملت) مواجه بود مورد تفسیر روانکاوانه قرار می‌دهد. کارل گوستاو یونگ (۱۸۷۵-۱۹۶۱) که در ابتدا وارث مکتب فکری فروید تلقی می‌شد به کلی رویکرد فروید را در فهم هنر مردود شمرد و به روشی تازه سعی در کشف اسرار آفرینندگی هنر و پیوند آن با آزرده‌گی‌های روانی هنرمند نمود. او مسائل زندگی واقعی هنرمند را در پیدایش یک اثر هنری بی‌ارزش معرفی کرد و از واسطه شدن هنرمند برای خارجی شدن محتویات ناخودآگاه جمعی، سخن به میان آورد. (فیلیپسن، ۱۹۶۳، ۵۵)

باز نزدیک شدن جنگ جهانی دوم هنرپژوهان روان‌شناس دیگری به میدان آمدند. بسیاری از آن‌ها عنوان کردند که داغ‌ها یا ضربه‌های روانی شدیدی که یک هنرمند در دوران کودکی تجربه می‌کند عوامل ضروری و حتی الهام بخشی هستند که می‌توانند به امر آفرینشگری هنری کمک



اثری از یکی از بیماران روانی به نام هوشنگ. ر



اثری از بن شان ۱۸۹۸-۱۹۶۹ لیتوانی



اثری از یکی از بیماران روانی به نام علی رضا پ. ن.



اثری از پل کله (۱۸۷۹-۱۹۴۰)، سویس، نقاشی رنگ و روغن، موزه هنر بازل

که با هراس از دیگران کناره می گرفت. او که به شکسپیر سوئد مشهور بود در خانه اش را به روی هیچ کس باز نمی کرد و حتی از روانشناس خود می ترسید و دوری می جست مبادا او را به تیمارستان بفرستد. البته بعدها استریند برگ از این حالت خود برای خلاقیتش بهره های فراوان برد. هولدرلین شاعر آلمانی (در نیمه دوم سده نوزدهم) که مبتلا به افسردگی دو قطبی بود و مدام بین افسردگی و شیدایی از این سو به آن سو می رفت بی آن که بتواند افسرده بودن و شوریدگی خلاق خود را از همدیگر تفکیک کند نیز هم چون برگ از وضعیت نابسامان روانی اش به نفع هنر استفاده کرد.

وان گوگ که ندوشن (۱۳۶۱، ۴) او را پهلوان غم می داند نیز از هنرمندانی است که با صراحت به ابتلای روان خود به بیماری اذعان می کند. او در نامه هایش نوشته که روان بیمارم مانع از آن نمی شود که دنیا را آن طور که می بینم و می خواهم نقاشی کنم. هر وقت می خواهم کاری را شروع کنم خشم گنگی سرا پام را فرا می گیرد، به افسون شده ها می مانم ولی به محض آن که به نقاشی مشغول می شوم تسکین پیدا می کنم. مثل این که نقاشی دوی درد روان بیمار من است. (وان گوگ، ۱۳۴۹، ۴۴) اکسپرسیونیست های آلمانی به صورتی چشمگیر نقاشی های کودکان و بیماران روانی را جمع آوری کردند زیرا قائل به وجود شباهت های آشکار بین این آثار بودند. گرینبرگ از هنرمندی به نام ماریون میلر یاد می کند که رنج های خود را در زمان وقفه خلاقیت به عنوان یک نقاش شرح داده است. او این حالت هنرمند را ناشی از یک ترس مرضی در مورد از دست دادن کنترل خودآگاه و حتی

متفکر سده شانزدهم میلادی کتابی با عنوان ستایش از دیوانگی (۱۳۸۵) دارد. دوسیوری در کتاب «هنر و دیوانگی» آورده که هنرمندان با مجانبین احساس خویشاوندی می کنند. (دوسیوری ۱۳۸۵، ۱۴) نیچه (۱۹۰۰-۱۸۴۴) به عنوان یک فیلسوف و هنرمند تام و تمام در آلمان، تا بود هرگز از فکر خودکشی بیرون نرفت و نبوغ و جنون لحظه ای او را رها نکرد. مثل آن بود که نبوغ و جنون او از همدیگر تاثیر می پذیرفت.

در میان اهالی هنر هم این باور بی طرفدار باقی نماند و نمانده است. سوررئالیست ها نخستین گروهی بودند که برای دیوانگی اهمیت بسیار قائل شدند و در اواسط سده بیستم به جمع آوری نقاشی از بیماران روانی اقدام و در نمایشگاه ها به مردم عرضه کردند. برخی به گفته کندال (۱۹۶۵، ۷۸) به کار «خود زندگی نامه نویسی» روی آوردند و در این نوع آثار بی پرده از نوسانات روانی خود نوشتند و نمونه دادند. برخی خود را پشت جنون مخفی کردند و از آن به نفع هنرشان بهره بردند و عده ای دیگر به ویژه نقاشان ضمن بررسی آثار بیماران روانی به رابطه احتمالی بین جنون و آفرینشگری پرداختند و به خلق آثار بدیعی مبادرت ورزیدند. دوسیوری می نویسد که آلوئیز و ولفی از نقاشان هنرمندی بودند که خواسته یا ناخواسته به آسایشگاه های روانی پناه بردند و در آن جا بهترین آثار خود را به وجود آوردند اما کلودل و بعضی دیگر از هنرمندانی که به خانه دیوانگان رفتند سترون ماندند و دیگر برگشتی نداشتند. (دوسیوری، ۱۳۸۵، ۳۴) استریند برگ (۱۹۱۲-۱۸۴۹)، نمایشنامه نویس سوئدی که بر اکسپرسیونیست های آلمان تاثیر زیادی گذاشت نیز چنان گرفتار عوارض روانی بود





اثری از یکی از بیماران روانی به نام علی رضا پ. ن



اثری از رابرت رائوشنبرگ (۱۹۲۵)

#### یافته ها

مقایسه آثار نقاشان بزرگ و بیماران روان پریش بستری، پژوهشگر را به شباهت هایی رساند که در زیر به مهم ترین آن ها اشاره می شود.

#### ۱- نو و نامتعارف بودن

یکی از شباهت های آشکار میان نقاشی های بیماران روانی و هنرمندان بزرگ، دوری جستن اعضای هر دو گروه از کلیشه ها و تکرارهاست. آثاری که این دو گروه

بحران هویت می داند. از نظر او اضطراب می تواند در اثر هنری منسجم گردد و فرایند نقاشی به مثابه یک سؤال و جواب ضروری با دنیای خارج باعث بیدار شدن مجموعه ای از اضطراب های باستانی گردد. (Greenberg, 1974, 76) طبق فرض میلنر وقفه در آفرینش هنری ممکن است ناشی از تمایل هنرمند به خلق کمال مطلوب هنری باشد. وی این تمایل به خلق کمال مطلوب را ناشی از توجه روان نژدانه در مورد اعمال بدنی بر جا مانده از دوران طفولیت هنرمند می داند.



اثری از یکی از بیماران روانی به نام خدیجه . ت



اثری از جان میشل (۱۹۲۵)



اثری از یکی از بیماران روانی به نام محمود ت.



اثری از هانس هافمین

گشته است.

### ۳- سادگی

سادگی برای بیماران روانی با سادگی برای هنرمندان بزرگ متفاوت است. سادگی در آثار بیمار روانی به علت یادزدودگی و پاک شدن بخشی از اطلاعات ذهنی است. محدودیت دایره شناختی بیمار از شکل ها و رنگ ها و در مواردی بی حوصلگی در هنگام اجرای اثر او را به یک سادگی کودکانه و در مواردی ساده لوحانه نزدیک می کند. سادگی اثر او یک نوع تفریط و معمولاً یک سویه و به دور از محاسبات و پیچیدگی های ساختاری است ولی یک هنرمند بزرگ با اتکاء به دایره وسیع اطلاعات و دانش تصویری خود (در شکل ها و رنگ ها) با تجزیه، محاسبه و با حذف هوشمندانه و انتخاب صحیح بخش هایی از تصویر به نوعی سادگی، انتزاع و یا خلوص تصویری و ایجاز می رسد. این سادگی با آن پیچیدگی ماهرانه، ترکیب شده به تعادل می رسد.

### ۴- پیچیدگی نمادین

پیچیدگی در آثار بیماران روانی به کلافی سردرگم می ماند که گنگی واضحی را به دنبال دارد در حالی که در آثار نوابغ همین پیچیدگی، هم چون مسأله یا معمایی است که با تفکر و محاسبه آمده و با همین ها نیز قابل حل است. هر چه پیچیدگی در آثار بیماران روانی برخاسته از فطرتی وحشی و با خام دستی همراه است پیچیدگی در آثار نوابغ با ایهام و استعاره و نماد همراه است و در کنار سادگی

می آفرینند در اغلب موارد تازه و نامتعارف به نظر می آید. تفاوت مهم در این جاست که بیمار روانی چه در رنگ، چه در شکل و چه در نوع برخورد، هرگز تلاشی برای رسیدن به این تازگی یا نونمایی نمی کند. برای بیمار روانی مهم نیست که نقاشی هایش متفاوت به نظر بیاید. او واقعیات پیرامون را آمیخته با وهم و از دریچه ذهن خود می بیند و چون واقعیت او با واقعیتی که دیگران می بینند متفاوت است کل اثرش، متفاوت از آب در می آید. بخشی دیگر از این تفاوت شاید به دلیل ناتوانی او در ترسیم واقعیات است. هنرمند نخبه اما سعی می کند با تغییر نگاه و تجزیه و تحلیل بدیع واقعیات ها به لایه های درونی خود یا مدل، نفوذ کند و چیزهایی را از محیط نشان دهد که انسان های معمولی دریافته یا به آن توجه نکرده اند.

### ۲- الهام ناخود آگاه

بهره مندی از داده های نهفته ناخودآگاه که انباشته شده از نخائر و اطلاعات مهم و کلیدی شخصیت است و پرهیز از اطلاعات یا مهارت های خودآگاه که معمولاً مصرف شده یا سطحی اند همیشه مورد توجه هنرمندان نخبه و از آرزوهای آن هاست. به نظر می رسد بخش عمده ای از جذابیت و پویایی آثار آن ها نیز مدیون بهره گیری از الهامات ناخودآگاه است. برای یک بیمار روانی استفاده از انباشته های ذهن ناخودآگاه در هنگام آفرینشگری کاری سهل است چرا که ناخودآگاه بر تمام ذهن خود مسلط





اثری از یکی از بیماران روانی به نام محمود . ا. ه.

برای غلبه بر این ترس در رویارویی و مبارزه با بوم سفید، پارچه کثیف رنگی شده را بر چهره بوم کشیده اند تا با خدشه دار کردن حریف (بوم سفید) بتوانند به راحتی و بدون ترس بر آن پیروز شوند. به هر حال خوب یا بد شدن اثر، برای هر نقاشی مهم است و هر چه نقاش، بزرگ تر و مطرح تر باشد این اهمیت بیش تر می شود. هنرمندانی هم چون پیکاسو هرگز نتوانستند به راحتی بر این ترس غلبه کنند. (زرواس، ۱۹۵۵، ۴۴)

#### ۷- نهراسیدن از قضاوت دیگران

نهراسیدن از قضاوت دیگران، در حالی که یکی از دشوارترین امور برای هنرمندان می باشد از موارد سهل برای بیماران روانی است. بیماران روانی هیچ گونه نگرانی از نقد دیگران ندارند. برای آن ها ارزیابی منتقدین مهم نیست، یا از این که رنگ های به کار رفته درونیات آن ها را فاش کند واهمه ای ندارند. بیماران بدون اعتنا به حضور افراد وحتی دوربین های فیلمبرداری به نقاشی می پردازند در حالی که چه بسیار هنرمندان معمولی که نمی توانند بر این ترس غلبه کنند و آثاری نازل ارایه می دهند. اما نوابغ مانند مجانین با برخورداری از روحی بی باک و اعتماد به نفسی گسترده توانسته اند بر این مشکل غلبه کرده هم چون بیماران روانی بی هیچ نگرانی درخصوص قضاوت این و آن با آشکار شدن شخصیت شان، به خلق اثر بپردازند. وفور آثار کودکانه و دیوانه وار در کارنامه این هنرمندان موید این مطلب است که آن ها بی هیچ نگرانی از این که در پایین ترین سطح درک شوند و کودک، ضعیف یا حتی دیوانه خطاب شوند به آفرینشگری پرداخته اند.



اثری از پل کله (۱۸۷۹-۱۹۴۰)، سویس. منظره انتزاعی، آبرنگ روی کاغذ فرانسوی، ۱۹۳۱

گفته شده با نسبتی مشخص همراه با نشانه های راهنما بروز می نماید تا اثر را به تعادل برساند.

#### ۵- جسارت

در آثار زیادی از هر دو گروه جسارت دیده می شود. این جسارت در پرداختن به موضوع، رنگ، شکل و خط همواره از سوی صاحب نظران ستوده شده است. اگر چه جسارت موجود در آثار هر دو گروه مشابه است ولی علت آن در آثار هر دو گروه کاملاً یکی نیست.

جسارت در آثار نقاشان بزرگ از روی اعتماد به نفس یا ناشی از توانایی و مهارت آن هاست در حالی که همین ویژگی در آثار بیماران روانی به دلیل عدم احترام به حدود یا به رسمیت نشناختن آن ها و البته محصول تهور جنون آمیز آن هاست.

#### ۶- عدم ترس از مواجهه با تکانش خلاقیت

یکی دیگر از عواملی که یک اثر هنری را ارزشمند می کند شجاعت ناشی از عدم ترس در برخورد با تکانه خلاقیت است که هم در آثار بیماران و هم در کارهای نقاشان بزرگ مشاهده می شود. این بی ترسی در برخورد با موضوع اثر برای بیمار روانی بسیار سهل است چرا که بیمار هیچ گونه تعهدی در قبال خوب و یا بد شدن اثرش ندارد. آزادانه به گریش مدل می پردازد، بی واهمه هر رنگی را که دوست دارد برمی دارد و با هر شکل و شیوه ای که دل و احساسش در لحظه فرمان می دهد روی بوم می گذارد.

فقدان نگرانی در مواجهه با سفیدی و همناک کاغذ یا بوم که برای هنرمندان معمولی بسیار دشوار است برای بیماران روانی و نقاشان بزرگ یک اگر عادیست. بعضی نقاشان

#### نتیجه

انسان به طور عام و هنرمند به طور خاص، به دلیل زود رنجی یا شکننده بودن اعصاب، خواه ناخواه به سوی روان نژندی و در موارد نادر جنون سوق داده می شود. وجود شباهت های واضح و فراوان بصری بین آثار بیماران روانی از مردم عام و آثار نقاشان بزرگ جهان از مردم خاص نباید ما را



مانند افلاطونیان لزوماً به مفروضه پیوند بین جنون و هنر معتقد کند یا به آن سو بکشاند. اختلالات روانی حتی اگر همه سراینندگان در مدحشان شعر گفته باشند باز بیماری هایی رنج آورند و هرگز نباید با هنر که بخششی گرانها از سوی خداوند به اشخاص برگزیده است تا احیاناً ادامه دهنده راه انبیا باشند مرتبط فرض شود. شباهت های بصری بین آثار ترسیمی هنرمندان و بیماران روانی فقط می تواند پیشنهاد کننده این فرض باشد که اعضای هر دو گروه وقتی با جوشش درونی خلاقیت مواجه می شوند به دوران کودکی خود برمی گردند که در آن بدون توجه به مدح و دفع دیگران و کاملاً رها از مقررات هنری یا اجتماعی به رفتارهای ترسیمی خودانگیخته می پرداختند. دومین دلیل توجیه پذیر، وجود شباهت بین نقاشی های بزرگان و بیماران، تاثیرگیری برخی نقاشان بزرگ از نقاشی های کودکان یا بیماران روانی است. این مفروضه پس از مشاهده شباهت های کامل برخی از آثار پل کله با چند تن از بیماران گروه نمونه مطرح شد که جای هیچ شکی از تاثیر برخی نقاشان بزرگ از بیماران روانی، باقی نمی گذارد.

#### منابع و مأخذ

- اراسموس، دسیدریوس، در ستایش از دیوانگی، ترجمه دکتر حسن صفاری، انتشارات فرزانه، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۸۵.
- دوسیوری، سوفی، فیلیپ مه یر، هنر و دیوانگی، ترجمه محمد مجلسی، نشر دنیای نو، تهران، ۱۳۸۵.
- سلیمانی، بلقیس، هنر و زیبایی از دیدگاه افلاطون، انتشارات گوهر منظوم، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹.
- فروزی، رضا، نامه های وان گوگ، نشر مروارید، چاپ دوم، تهران، ۱۳۴۹.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی، شور زندگی، نشر یزدان، چاپ دهم، تهران ۱۳۶۹.

- The Sigmund Freud- Carl Gustav Jung Letters, Princeton University Press, 1994,
- Greenberg, H.R. Psychiatry and the arts, In The Contemporary issues in Psychiatry, under the editorship of John G. Howells, London Butterworth, 1974.
- Kendall, P.M, The art of biography, Norton, New York, 1965.
- Moody, J.T.W. The reading of the drawing and Wallace papers: An historical "non event", Nat, Hist, 1971.
- Philipson, m, Outline of a Jungian aesthetic, Northwestern University Press, Evanston, 1963.
- Zervos, C. Conversation with Picasso, In The Creative Process, Mentor, New York, 1955.



پاسخ دادن اسفندیار رستم را،  
شاهنامه بایسنغری، کاخ گلستان